

از عجایب نواندیشی دینی ما



دکتر حسین انصاری
پژوهشگر و استاد دانشگاه

مکرر نوشته ام و گفته ام که یکی از اصلی ترین مشکلات نظری روشنفکری دینی در کشور ما، غیاب فکر تاریخی در اندیشه های شماری از نمایندگان آن است. فکر تاریخی داشتن صرفا توصیه کردن به مطالعه تاریخ یا اطلاع از تاریخ نیست. کما اینکه کافی نیست بگویم فهم بشری از همه چیز و جمله دین در قبضی وبسط، است. فکر تاریخی هم نیازمند آشنایی با تاریخ است، تاریخ سیاسی وفرهنگی واجتماعی، وهم نیازمند فراگیری دانش تاریخ وتاریخ نگاری است. تاریخ را باید آموخت، بدون آشنایی بادانش تاریخ نمی توان درکی درست از تاریخ تحول اندیشگی وتاریخ باورها وتفکر در سیاق تحولات سیاسی وفرهنگی واجتماعی داشت ودیالکتیک فکر وتاریخ را بررسید وفهمید. برای این کار باید ابزارهای دانش تاریخ وتاریخ نگاری را به درستی دانست وبا آن ابزارها سراغ منابع ومستندات رفت. تنها با بهره وری از چنین دانشی است که با فهم تاریخی به تدریج آشنا می شویم. یعنی می فهمیم که چگونه تفکر در بستر تاریخ شکل می گیرد وعوامل مختلف انسانی وفرهنگی ومحیطی روی آن تأثیر می گذارد. تاریخ دین وباورهای دینی وتفکرات فلسفی ازاین قاعده مستثنا نیست.

چطور می توان درباره «دین وقدرت» ونسبت اسلام با قدرت سخن گفت ودرباره پیامبر رحمت وسیره اوداوری کرد بدون آنکه تصویر روشن، درست، متخصصانه و کارشناسانه تاریخی ناظر به متون از تاریخ وتاریخ نگاری سیره داشت؟ چطور می توان دو نظر متخالف در این زمینه داشت، در حالی که دو طرف گفت وگو در ارض مشترکی که همانا تعهد به اصول تاریخ نگاری واندیشه وفهم تاریخی است رو درروی هم قرار نمی گیرند؟ چطور می توان درباره وحی وتجربه وحیانی پیامبر دریک لحظه «تاریخی» سخن گفت واز طبیعت و ماهیت بشری آن سخن راند و تجربه نبوی را محکوم به زمان وزمینه آن دانست، اما هیچ تلاش آکادمیک در خور توجهی برای فهم تاریخ پیامبر واجامعه وزمانه اونداشت؟ چنین فهم ودرکی تاریخی مستلزم تعهد به تحقیقات آکادمیک درحوزه تاریخ ومتن است. نیازمند کار با اسناد ومتون وفیلولوژی وتحقیقات متن محور است. این کار پژوهشگر تاریخ دردانشگاه است. یا باید روشنفکر دینی ما خودش دست به کار شود وقبل ازهر اظهارنظری درحوزه دین (وبنا بر ادعایش اصلاح یابازسازی وتجدید فکر دینی) تحقیقات تاریخی رادر زمینه ای که در آن می اندیشد سامان دهد (والبتة نتایج کار خود رادر معرض داوری محققان رشته تاریخ با انتشار مقالات و کتاب های آکادمیک قرار دهد) یا اینکه می بایست فروتنی به خرج دهد و به تحقیقات تاریخی متخصصان رشته تاریخ گوش سپارد وحرمت اهل این دانش را پاس بدارد و آرای خود را بانتیایج تحقیقات آنان هماهنگ کند.

در دنیای مسیحیت متألّهانی که نظراتی نوین در الهیات دینی و در بیرون از سنت کلیسا پیشنهاد می کنند تلاش می کنند فهم های جدید خود را بر اساس درکی تاریخی از متن مقدس وپیشینه تفسیرهای تاریخی آن ارائه دهند. در این سنت در کنار هر تفسیر اصلاحی یا هر نظریه کلامی جدید ده ها و بل صدها پژوهش تاریخی درباره مسیح، زمینه ظهور او، گفتمان های مذهبی وفکری معاصر باظهور مسیح، شرایط سیاسی واجتماعی وفرهنگی مصادف باظهور مسیحیت وتلقی /تلقی های مسیحیان وغیر مسیحیان از پیام/پیام های مسیح در چند قرن نخستین پیش وپس از شکل گیری مسیحیت رومی وجود دارد که آنان را دادرائه نظریات نوین کلامی می کند واز پژوهش هایی تازه در قامت یک مؤرخ بی نیاز می کند. روشنفکر دینی ما به کدام یک از تحقیقات تاریخی آکادمیک در حوزه های مرتبط با دین ومذهب استناد کرده یا می تواند بکند؟ کجا دیده اید که در طرح مسئله ای مانند زمینه های انسانی واجتماعی وحی یافته وشریعت یاموضوع هایی مانند ایمان و کفر وتلقی اسلام از خدا ومباحث کلامی مرتبط با خداوند وصفات اوانوسبت خدا و انسان وموضوع خدای متشخص ونا متشخص از دیدگاه قرآن واسلام تاریخی به تحقیقات آکادمیک در این زمینه ارجاع داده شود؟ در حوزه فقه اسلام جز کلی گویی کجا دیده اید که روشنفکر دینی ما نشان دهد در فلان مسئله فقهی نقش زمان ومکان وتاریخ وفهم بشری دقیقا چه بوده است؟

در میان نوگرایان دینی اخیرا نزاعی درباره مرز ایمان و کفر وذات باوری یاذات ناباوری برای اسلام در گرفته است. گویی چنین تصور می شود همه آنچه روشنفکران دینی در این چند دهه اخیر درباره دین وماهیّت وذات وفهم دین ومتن مقدس ودشواره های زبانی وفهمی وهرموتیک آن گفته اند به یک باره تنها در سده بیستم به ذهن آنان رسیده یاتحت تأثیر کلام مسیحی سر برآورده است. گویی این نوع پرسش ها از تمام تاریخ فقه وکلام واصلول فقه ما غائب بوده است. خیر چنین نیست. مهم ترین مسئله های روشنفکران دینی ما که در دوسه دهه اخیر مطرح شده، پژواک هایی روشن وگاه بسیار دقیق تر وپرسش برانگیزتر در عمق تاریخ فکری مسلمانان در دانش های فقه واصلول وکلام وتفسیر داشته است. نیازمند دانشمندان تاریخ پژوه ومتن شناسیم که آنان را برای طالبان روشنفکری دینی از اعماق تاریخ بیرون بکشند وبه آنان نشان دهند که بسیاری از مسئله های فکری امروز ریشه در تأملات نظری کهن دارد، البته به شرط اینکه روشنفکر دینی ما اعتنای لازم را به تخصص دردانش تاریخ داشته باشد.

من معتقدم یکی از مهم ترین راه های اصلاح اندیشه وفهم ما از دین ومذهب، شناخت دین ومنابع دینی در بستر تاریخی آن است. این شناخت درک ما را از تحول تاریخی فهم های دینی ارتقا می دهد. اگر خواهان اجتهاد در اصول وفروعیم واگر می خواهیم درک درستی از دیالکتیک «نص» و«تاریخ» وسهم مقتضیات زمان ومکان در فهم فقّهان ومتکلمان از دین ومنابع دینی داشته باشیم چاره ای نداریم الا اینکه به تاریخ مراجعه کنیم. قرآن رادر بستر تاریخی عصر نزول وسیره پیامبر اکرم (ص) ببینیم وتعامل صحابه و تابعین ونسل های بعدی رادر مواجعه باقرآن وحوحی.پیامبر وسننش، معنای شریعت ونسبت آن بامر دولت وقدرت دینی بفهمیم. شناخت خود را از عوامل بروز وتحول دانش های دینی به ویژه آنچه در نسبت بامر شریعت وقدرت دینی شکل گرفت مانند فقه ومذاهب آن. دانش اصول وهمچنین مکاتب تفسیری به درستی اصلاح کنیم. تحول فکر وفهم دینی را بفهمیم. همه این ها نیازمند تخصص در تاریخ است. آشنایی عمیق بامنابع تاریخی ومتون است. باید به شکل تخصصی در تاریخ کار کرد. در حوزه های علوم دینی ما امروزه کسانی هستند که به ارزش مطالعات تاریخی بی برده اند واز آن دریخت های فقهی واصلولی ورجالی خود بهره می برند (از اعلام معاصر اینجا بیادی نمی کنم؛ اما از درگذشتگان باید از استادام آیت... علامه شیخ محمد رضا جعفری نام ببرم که دانشی عمیق در حوزه تاریخ تفکر دینی ومتون داشت). درست دانشگاهی مادرد هشتاد سال گذشته آشنایان باتاریخ تفکر کم نبوده اند. عباس زریاب نمونه برجسته آنان بود.

شکاف

● در دنیای جدید یکی از چالش های دین مداران این شده است که با توجه به ویژگی های دنیای جدید سنت دینی خود را نیز حفظ کنند. به نظر شما چه چالش هایی در مقابل این مسئله وجود دارد؟

زندگی در دنیای سنتی دشوار بود و دین داری آسان، اما در دنیای مدرن، زندگی آسان شده است و دین داری دشوار. انسان ها در دنیای سنتی نیرویی جز زور بازو نداشتند و در مبارزه ای سخت با طبیعت سرسخت غذای خود را به چنگ می آوردند. امکانات بهداشتی و درمانی ناچیز بود و در هر کوی و برزن، عده ای بیمار و علیل بودند و مادام العمر رنجور. دنیای قدیم هزار عیب داشت، ولی حسن بزرگش این بود که راه برای دین داری هموار بود. انسان ها در گرداگرد خود مصنوعات و آیات خداوند را می دیدند: آسمان پرستاره، طلوع و غروب خورشید، ماه تابان و طبیعت زیبا.

اما در دنیای مدرن همان اندازه که زندگی آسان شده، دین داری دشوار شده است. انسان های ظاهریین هر چه می بینند، مصنوع خود می پندارند: برج های آسمان خراش، هواپیماهای غول پیکر، ماشین های پیچیده صنعتی و رایانه های هوشمند. بیفزاییم که وسایل گناهکاری و موجبات غفلت از خداوند هزار چندان شده اند. در گذشته این همه وسایل کام جویی و ابزارهای لهو و لعب وجود نداشت. بشر بیشتر ترقی کرده است تا تعالی.

واقع اینکه دنیای مدرن را بورژوازی معماری کرد، نه دین. بورژوازی جهان را بر صورت خویش ساخت. اگر مارکسیسم و حتی سوسیالیسم جهان را سامان می دادند، باز هم مطلوب دین داران و مسلمانان نبود.

● با توجه به مظاهر تمدنی دنیای جدید، سبک زندگی چه جایگاهی در این جدال میان سنت و تجدد دارد؟ مسلمانانی با سبک زندگی در دنیای مدرن بسیار متفاوت است. مسلمانان در آرایش و پوشش، خوردنی ها و نوشیدنی ها، روابط زن و مرد و بسیاری دیگر از امور روزمره حدود و مقرانی دارند که دیگران ندارند و مشکل از همین جا پیدا می شود که چون مسلمانان امروزه دهکده جهانی زندگی می کنند، در معرض آن هستند که از سبک زندگی دیگران تأثیر بپذیرند. حال اینکه در گذشته، که ارتباطات مسلمانان و غیرمسلمانان بود، امکان آن تأثیر پذیری چندان نبود.

البته چگونگی زندگی غیرمسلمانان یکسره نامطلوب نیست، بلکه گاه بسیار آرمانی و معقول است و باید از آن الگو گرفت. اما عناصر و اجزایی هم در سبک زندگی ایشان هست که با ارزش های اسلامی منافات دارد و هنگامی که مسلمانان از آن تأثیر بپذیرند، فکشان نیز عوض می شود. بسیاری از مردم چنان که زندگی

گفت وگویی شهرآرا با محمد اسفندیاری با موضوع دین داری در دنیای مدرن

دین داری در کشاکش سنت و تجدد



فاصله می گیرد، ولی انسان نمی شود. آسیبله انسان نیست، طوطی است (آن حیوان شبیه تر را نمی گویم که توهین نشود).

اکنون در میان مسلمانان نسلی برآمده است که میان مغز و بدانشان شکاف افتاده و شخصیشان دوپاره شده است. در نظر به اسلام اعتقاد دارند، ولی در عمل التزامی به آن ندارند. این نسل خود را مسلمان می داند، ولی سبک زندگی اش غربی است و متعارض بازی مسلمانی. منشا این شکاف و دوپارگی شخصیت، چیزی جز تشبه به دنیای مدرن نیست.

علت دیگر تشبه به غرب، سبک آزاد زندگی آن است و مطابقتش با خواشه های نفسانی. آن سخن را بله، که «هر چه می خواهی بکن»، شعار دنیای مدرن است و مردم در آرایش و پوشش و خوردن و نوشیدن و شاد خواری و کامرایی هیچ محدودیتی ندارند. حتی آزادند تا پست ترین خواهش های نفسانی خود را، بدون هیچ شرم و حیا، اشباع کنند. این گونه زندگی مانند راه رفتن در سرازیری است، اما زی دینی، که اجازه هر گونه کام جویی را نمی دهد، به راه رفتن در سر بالایی می ماند. در این درواهی بعضی سرازیری را انتخاب می کنند و به غرب تشبه می جویند.

● با توجه به نکاتی که گفتید معضل دین گریزی یکی از مشکلات بزرگ جامعه است، چه رویکردی برای مبارزه با این مسئله باید داشته باشیم؟

علت دین گریزی بسیاری از مردم امری ساده و ابتدایی است. اگر این موضوع را پیچیده کنیم، از درک آن دور می افتیم. عده ای بدان رو از دین می گریزند که آن را مانع خواش های نفسانی خود می شمارند. و بدین رو سرسپرده دنیای مدرن می شوند که آن را مزاحم شاد خواری و کام جویی خود نمی بینند. دین گریزی بسیاری علت دارد، نه دلیل. مجذوب غرب فلسفی و علمی نشده اند، بلکه مفتون زندگی غربی شده اند. ب دلایل فلسفی و علمی به این مدعا نرسیده اند که دنیای مدرن بهترین دنیای ممکن است، بلکه این دنیا را جایی بهتر برای عیش و عشرت یافته اند.

برای دین داری در دنیای مدرن چه باید کرد؟ یک پاسخ از میان ده ها پاسخ این است که باید نسلی دیگرسان پرورد: مسلمانانی دین شناس، زمان آگاه، آسیب شناس، تقواییش و هوشیار، مسلمان دنیای مدرن باید بدانند چرا مسلمان است، بدیش چه می گوید و چه می خواهد، در کدام جهان می زند و چه آسیب هایی تهدیدش می کند. مسلمان مانند در عصر حاضر جهادی بزرگ است و لازمه توفیق در این جهاد، بصیرت. تا بصیرت نباشد، صبر بر طاعت و صبر از معصیت، که دو رکن آن جهاد است، ممکن نمی شود.

بدانیم، ترجمه قالبی کلمه به کلمه دارد، یعنی مترجم به سبک نخستین مترجمان قرآن در زیر هر کلمه معادل فارسی آن رامی نویسد. از همین رو، نحو جملات تاحد زیادی عربی است. مترجم علاوه بر برخورداری از توانایی در ادب فارسی، دانش های قرآنی، تاریخی، فقهی، به مضامین کلامی قرآن توجهی ویژه دارد. ظاهرا وی آیات مربوط به افعال وصفات الهی را با تفسیر خاصی که به معترزه نزدیک تر است، به فارسی ترجمه می کند، اما در واقع باید بدانیم که این رنگ و بوی کرامیه در تفسیر سورابادی است که عینا به قرآن زعفرانی انتقال یافته است. با آنکه کاتب متن به روشنی تفسیر سورابادی را در پیش چشم داشته، متن ترجمه قرآن زعفرانی، تفاوت هایی از حیث نحوی، واژگانی و تفسیری با ترجمه آیات در سورابادی دارد.



چندین سال مراوده، مکاتبه و گفت وگوی خود با سید مصطفی محقق داماد معرفی می کند که رویه و سوبیه علمی آن مبتنی بر ارائه پاسخی اصولی و فقهی به بحران های دوران کنونی است، پاسخ هایی که دکتر محقق داماد با بیانی ساده وزبانی شیرین در قالب پاسخ به پرسش هایی کوتاه اما عمیق، پیشروترین دریافت های نوگرایانه از علم اصول و دانش فقه را بیرون از محوطه پراشوب روشنفکری دینی و درون یک چهارچوب معنادار و روشمند شرعی ارائه می دهد. این کتاب کوششی برای نشان دادن لزوم توجه به مسائل معاصر و همچنین عدم فروگذاری نگاه نقادانه بامروری بر زندگی فکری سید محقق داماد است. ایشان تلاش کرده اند تا سر حد امکان بدون محافظه کاری درباره موضوع هایی که در سوالات گفت وگو کننده مطرح شده واکنش نشان دهند و جواب های خود را با رعایت اختصار ارائه بدهند. کتاب حاضر سعی داشت پاسخ گوی پرسش های فراوان نسل جدید درباره عقل و شرع باشد.

حسین منتظری

مهم ترین ویژگی عالم جدید از بین رفتن یا بی اثر شدن سنت هاست و مهم ترین کارکرد سنت ها، وارد کردن فشار بر انسان هاست. انسان در دنیای پیشامدرن آگاهانه یا ناآگاهانه (این یکی البته بیشتر است) خود را با سنت ها هماهنگ می کند. دین مهم ترین مؤلفه فرهنگی دنیای ماقبل مدرن است. بنابراین هم اصل دین داری و دین ورزی تحت تأثیر سنت ها قرار می گیرد و هم شکل آن. دین و آداب و رسوم دینی به عنوان یکی از سنت های جا افتاده خود را بر بسیاری از افراد تحمیل می کند، این سبک دین داری چندان آگاهانه و البته انتخابی نیست و در عین حال بیشتر رنگ و بوی مناسک دارد تا اعتقاد و عرفان.

پیوند دین با ساختارهای سنتی جوامع باعث شده است که زندگی در دنیای مدرن برای افرادی که دغدغه دین و دین داری دارند، همواره با چالش های فراوانی روبه رو باشد. با توجه به این مهم یکی از ضروری ترین نیازهای چنین افرادی، توجه به مشکلات و موانع دین داری در این روزگار به حساب می آید. در این راستا بی شک شناخت دقیق مؤلفه های مؤثر در ایجاد تقابل دین داری با دنیای مدرن، از مهم ترین و اساسی ترین گام ها برای ورود به این وادی و تلاش جدی در راستای گسترش و تقویت دین داری است. برای واکاوی بهتر این موضوع گفت وگویی با استاد محمد اسفندیاری، دین پژوه داشته ایم. مشروح این گفت وگو را در ادامه بخوانید.

می کنند فکر می کنند، نه چنان که فکر می کنند زندگی می کنند. فکر انسان همواره تعیین کننده چگونگی زندگی او نیست، بلکه گاه چگونگی زندگی او تعیین کننده فکر اوست.

گذشتگان ما این توفیق را داشتند که در دنیای خودشان زندگی می کردند، دنیایی که خود ساخته بودند. در نتیجه از محرمانی که در فراسوی مرزهایشان بود، مصون می ماندند.

● دنیای غرب پس از مدرنیته به دنبال ارائه مدل جدیدی برای حکمرانی و زندگی بشری است. مفهوم «زندگی غربی» دارای چه مؤلفه هایی است؟ ما اکنون با چند غرب روبه رو هستیم: غرب فلسفی، غرب سیاسی، غرب صنعتی و غرب علمی. هیچ یک از این غرب ها چندان تهدیدی برای مسلمانان نیست که «زندگی غربی»، شاهد اینکه مسلمانان غرب گرا و یا برگشته از دین، بیش از هر چیز مجذوب زندگی غربی شده اند. آنان پس از مطالعه و تحقیق در مکتب ها و جریان های فکری غرب تحت تأثیر آن قرار نگرفته اند، بلکه مفتون زندگی متحدانه شده اند. بسیاری از مردم دوست دارند هر چه می خواهند بکنند و در آرایش و پوشش و روابط زن و مرد و موسیقی و تفریح یکسره آزاد باشند.

غرب با شعار «هر چه می خواهی بکن» قبله امال این جماعت شده است. در هیچ زمانی این همه امکانات لهو و لعب و غفلت و معصیت وجود نداشته است. اکنون نفس اماره و بشر، که کمابیش دچار افسردگی و خمود بوده، امکانات و قدرت فراوانی یافته و بیش فعال شده است. درست است که دین داری در این دوره پاداشی بیشتر دارد، اما چه بهتر که از قدرت گناهکاری کاسته شود و پاداشی کمتر نصیب شود. امروزه دنیای سرمایه داری، اژدهای نفس را از حاشیه به متن جامعه آورده و آلات فراوانی بدو بخشیده و وسایل گناهکاری را از هر دوره ای بیشتر و ارزان تر کرده است. این کار را هم نه گناه، که خوشی نام گذاشته و به مردم چنین باورانده که خوشبختی در خوش گذرانی است، به هر صورت که باشد، باشد. الحق که بسیاری از مردم خوشند، ولی خوشبخت نیستند، اما کسانی که تفاوت این دورا نمی دانند، به خوشی ایشان غبطه می خورند و آرزوی این سبک زندگی را دارند و آن را خوشبختی می پندارند. تعدادی از مسلمانان نیز در این شمارند.

● با توجه به مظاهر تمدنی دنیای جدید، سبک زندگی چه جایگاهی در این جدال میان سنت و تجدد دارد؟ مسلمانانی با سبک زندگی در دنیای مدرن بسیار متفاوت است. مسلمانان در آرایش و پوشش، خوردنی ها و نوشیدنی ها، روابط زن و مرد و بسیاری دیگر از امور روزمره حدود و مقرانی دارند که دیگران ندارند و مشکل از همین جا پیدا می شود که چون مسلمانان امروزه دهکده جهانی زندگی می کنند، در معرض آن هستند که از سبک زندگی دیگران تأثیر بپذیرند. حال اینکه در گذشته، که ارتباطات مسلمانان و غیرمسلمانان بود، امکان آن تأثیر پذیری چندان نبود.

البته چگونگی زندگی غیرمسلمانان یکسره نامطلوب نیست، بلکه گاه بسیار آرمانی و معقول است و باید از آن الگو گرفت. اما عناصر و اجزایی هم در سبک زندگی ایشان هست که با ارزش های اسلامی منافات دارد و هنگامی که مسلمانان از آن تأثیر بپذیرند، فکشان نیز عوض می شود. بسیاری از مردم چنان که زندگی

سید مصطفی محقق احمد آبی د معروف به محقق داماد، زاده ۱۳۲۴ خورشیدی، مجتهد، حقوق دان، عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران، عضو هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و استاد حوزه و دانشگاه است. او از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳ ریاست سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بوده است. محقق داماد که دانش آموخته حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه کاتولیک لوون است، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه شهید مطهری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی است و بیش از ۱۰ سال مدیریت گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس را به عهده داشت. وی علاوه بر بهره گیری از دو نظام آموزشی حوزه و دانشگاه، تسلط به زبان های عربی، زبان انگلیسی و فارسی و آشنایی با زبان فرانسه ا دارد. همچنین آثار مختلف و متعددی در حوزه فقه و حقوق از وی منتشر شده است. زارع این کتاب را ترجمان

«قرآن زعفرانی» با ترجمه کهن به فارسی

نسخه شماره ۵۵۱ در موزه رضا عباسی یکی از مهم ترین نسخه های قرآنی همراه با ترجمه فارسی از قرن ششم است که تاکنون توجه محققان و نسخه پژوهان را به خود جلب نکرده است. این اثر ارزشمند نسخه کاملی از قرآن کریم همراه با برگردان فارسی است که در سال ۵۴۶ قمری به دست کاتب ابوالفخر بن ابی الفضل الزعفرانی کتابت شده است. قرآن زعفرانی، کهن ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ دار و حاوی ترجمه فارسی است. دیگر نسخه ها مانند «پلی میان شعر هجایی» و «سوره مانده از قرآن کوفی کهن»، نه تاریخ دار و نه کامل هستند. تأمیانه قرن ششم هجری، آثار فارسی

سید مصطفی محقق احمد آبی د معروف به محقق داماد، زاده ۱۳۲۴ خورشیدی، مجتهد، حقوق دان، عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران، عضو هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و استاد حوزه و دانشگاه است. او از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳ ریاست سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بوده است. محقق داماد که دانش آموخته حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه کاتولیک لوون است، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه شهید مطهری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی است و بیش از ۱۰ سال مدیریت گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس را به عهده داشت. وی علاوه بر بهره گیری از دو نظام آموزشی حوزه و دانشگاه، تسلط به زبان های عربی، زبان انگلیسی و فارسی و آشنایی با زبان فرانسه ا دارد. همچنین آثار مختلف و متعددی در حوزه فقه و حقوق از وی منتشر شده است. زارع این کتاب را ترجمان